

پنج - ۴ آوریل ۱۹۹۹

دوست نازنین و عزیزم خانم مریم

با بهترین درود . پیام جان رسیده . از لطف و محبت بیدار شدن بسیار لذت بردم و
از ایشی حضور بسیار سپاسگزارم .

در فاصله این ایام آن همکار عزیزان ، این نخستین بار است که مقاله ای
از من چاپ شده . در حقیقت معلوم نیست که چرا این پیر و لغتوی تلفظی با مقاله
گوشنگ وزیر از خانه عملی آید ، عکس آن را به لندن و مقاله را به دفتر کار
در پاریس فاکس کردم . با اعتماد حقیقی که ما همکاران تهران لندن بکنیم
داریم . به سفر شما و موناکو رفتیم . سه هفته پس از بازگشت با تلفظی

دیدم هنوز چاپ نشده است ! از آقای وزیر پرسیدم . گفت : « نگذارش
خوب اما طولانی بود لذا گذاشتم برای سه ماه ممنوع عهد نوروز . » یک هفته
قبل از عهد نوروز ، مخففه / تغییر در مقدمه مقاله دارم تا متناسب با ویرجانه
عهد نوروز تهران باشد . دیدم به جای گزارش ، کل مقاله و نسخه آن را چاپ و جوی

که احوالاً به خانم لغت والاحیاء امکان فرستاده اند درج گردیده است !!
در حوال ، دنیا تراز سلفی که است . فتوحی گزارش نخستین جنبه
زن را که دیده و شنیده ، در همان تاریخ چاپ شده است به همین مناسبت .
عکس آن را به دفتر تهران در لندن ، و بقیه را به کارخانه فرستاده و سفارش کرده بودم اگر
عکس آن قابل چاپ (به علت تیره بودن عکس) نبود ، از آرشو خود استفاده کنه
شاید در دیدار دیگر حضور آینه صحبت کنیم . روستان دارم . برای شما و خانواده
عزیز و آرامی آن آرزوی سلامتی در سال نو .

به امید دیدار
عفت